

## بنال امی فی بنال اشب به آوامی جدائی

در عالم موسیقی و در کنار «تصنیف» و «آواز» و «ترانه»، خواندن «سرود» نیز نوعی از اجرا و هنری است که شکل و تعریف خاص خود را دارد. جایگاه مشخص «سرود» در مقوله موسیقی، و کاربردهایی که دارد، بر همگان روشن و شناخته شده است. معروفترین سرودهای هر کشور، طبعاً «سرود ملی» همان کشور است. و بعد شاید آنچه که در محیط و فضای نظامی و پادگانها اجرا می‌شوند، و بالاخره سرودهای گروه و دسته و احزاب، و سازمان‌های مختلف صنفی و سیاسی که بیشتر برای تهییج اعضاء و هوا داران، و تاکید بر اهداف و آرمان‌های آن حزب، و یا سازمان، خوانده و اجرا می‌شوند.

در ایران، و بین ما ایرانیان شکل دیگری از این نوع ترانه و تصنیف وجود دارد که اصطلاحاً با عنوان «ترانه - سرود» شناخته می‌شوند. البته ساخت و اجرای «سرود»، بخصوص از نوع انقلابی‌اش در ایران سابقه‌ای طولانی ندارد، ولی از طرفی «ترانه - سرود»هایی را داریم که با شعر و ابیاتی جهت‌دارانه و تبلیغ‌گرایانه، روی ملودی یا آهنگ ترانه‌ای معروف تنظیم، و در تکرار خود بر زبان‌ها افتاده. و از طرف دیگر، بوده و هستند ترانه‌هایی که بعد از اجرا و انتشار [بی‌آنکه سراینده و سازنده آهنگ، و یا خواننده ترانه چنین قصد و منظوری داشته باشند] در گردش‌های گروهی سمپات‌ها در کوه، و یا در زندان‌های سیاسی، توسط زندانیان آنقدر خوانده و تکرار شده، تا جایی که امروزه در زمره «ترانه - سرودهای انقلابی» شناخته شده، و از آن جمله به حساب می‌آیند.

ترانه‌هایی مثل «مرا بیوس» با صدای «حسن گلنراقی»، «غوغای ستارگان» با صدای «پروین»، و یا «مرغ سحر» با سروده‌ای از «ملک‌الشعراى بهار».

یکی دیگر از این «ترانه - سرود»ها، ترانه‌ای است با صدای «ویگن» که «بی ستاره» نام دارد. شاید دلیل علاقمندی افراد سیاسی به خواندن آن، ضمن اشاره‌ای که به «شب سیاه و سنگین و بی ستاره» در ترانه می‌شود، یعنی آنچه که می‌توانست استعاره‌ای از وضعیت سیاسی و جو اختناق حاکم بر مردم و جامعه محسوب شود، یکی هم ترجیح‌بند آن باشد که نوع آرزومندی و حس عدالت‌خواهی در افراد آن گروه از فعالین سیاسی را نشان می‌داد.

رویم ای دل به دنیائی که رنگ غم ندیده  
به دنیائی که رنگ حسرت و ماتم ندیده

ستاره امشب، کسی ندیده

مگر ستاره کجا رمیده

مه آرمیده، رنگش پریده

ابر سیاه رو به سر کشیده

چشمای ابر سیه پر آبه

می خواد بباره، دلش خرابه

کو یک ستاره در آسمونم

بختم سیاهه، خودم می دونم

بنال ای نی بنال امشب به آوای جدائی

بگو با یار بی مهرم که دور از ما چرائی

رویم ای دل به دنیائی که رنگ غم ندیده

به دنیائی که رنگ حسرت و ماتم ندیده

شعر ساده و صمیمی ترانه «بی ستاره» از «پرویز و کیلی»، و آهنگ آن در مایه دشتی از ساخته‌های «عطاالله خرم» است.